

## بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی و خانوادگی زنان روستایی بر انگیزه مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های کشاورزی

مهديه السادات میرترابی \*

دانشجوی دکتری ترویج کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران

یوسف حجازی

استاد، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران

سید محمود حسینی

دانشیار، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران

### چکیده

مشارکت زنان روستایی ایران در فعالیت‌های اقتصادی به‌ویژه کشاورزی واقعیتی انکارناپذیر است. این حضور در عرصه‌های اقتصادی کاهش هزینه‌های تولید و افزایش درآمد خانوار را باعث می‌شود. هدف از مطالعه حاضر، بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی و خانوادگی زنان روستایی بر انگیزه مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های کشاورزی بود. جامعه آماری پژوهش تمام زنان روستایی بالای ۱۵ سال ساکن بخش آسارا (شهرستان کرج) را شامل بود ( $N=2810$ ). نمونه آماری شامل ۱۲۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی با انتساب متناسب انتخاب شد. نتایج حاکی از آن بود که رابطه مثبت و معناداری بین انگیزه مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی و متغیرهای تعداد اعضای خانوار، تعداد فرزندان، استفاده از منابع اطلاعاتی و میزان استفاده از فناوری‌های کشاورزی وجود دارد در حالی که رابطه منفی و معناداری بین متغیر وابسته و میزان سواد و میزان درآمد خانواده مشاهده شد. همچنین زنان متأهل میزان انگیزه مشارکت بیشتری نسبت به زنان مجرد در فعالیت‌های کشاورزی داشتند. آزمون رگرسیون چندگانه نشان داد که متغیرهای استفاده از منابع اطلاعاتی، استفاده از فناوری‌های کشاورزی و میزان تحصیلات، توانایی تبیین ۲۵/۶ درصد از تغییرات میزان انگیزه مشارکت زنان روستایی را در فعالیت‌های کشاورزی داشتند.

### واژگان کلیدی

انگیزه، مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی، زنان روستایی

### مقدمه

بخش کشاورزی از تواناترین بخش‌های اقتصادی کشور است، تولیدات این بخش حاصل فعالیت ۴/۲ میلیون خانوار روستایی است. در روستا، هر خانواده به عنوان یک واحد تولیدی قلمداد می‌شود و زنان روستایی یکی از بنیان‌های اساسی این واحدها محسوب می‌شوند. توسعه پایدار، که کشاورزی پایدار را به عنوان جزئی از خود می‌طلبد، تنها در سایه مشارکت عملی است. تغییری بدین گستردگی تنها در سایه مشارکت تمامی افراد جامعه عملی می‌شود که نیمی از آن را زنان تشکیل می‌دهند. بنابراین، مشارکت زنان بخش مهمی از فرایند توسعه پایدار محسوب شده است (رسول اف، ۱۳۷۶).

نگرش سیستمی به توسعه روستایی، پدیده مشارکت را امری طبیعی و کاملاً بنیادی جلوه می‌دهد (ملک محمدی، ۱۳۷۴) فقدان روحیه مشارکت در زنان یک جامعه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی آن کشور را با مخاطرات گوناگون مواجه خواهد کرد و حتی ممکن است حرکت‌ها و برنامه‌های بخش‌های مختلف اقتصادی را به ورطه تضاد و مقابله بکشاند (بی‌نام، ۱۳۸۷).

به این دلیل این پژوهش سعی دارد به بررسی عوامل مؤثر فردی و خانوادگی زنان روستایی بر انگیزه مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های کشاورزی به عنوان نیروی کار خانوادگی اقدام کند. بنابراین، ابتدا مبانی نظری درباره انگیزه و مشارکت و ادبیات پیشین موضوع بررسی و سپس چارچوب نظری تدوین شد.

### مبانی نظری

#### انگیزش

در سال‌های اخیر هر گروهی از اندیشمندان و متخصصان علوم رفتاری و حتی عوام در خصوص تعریف انگیزش به بیان خاص خود اقدام کرده‌اند. اصطلاح انگیزش از واژه لاتین (movere)، به معنای حرکت دادن، مشتق شده است. برای آشنایی بیشتر با انگیزش به تعدادی از تعاریف آن به‌طور مختصر اشاره می‌شود.

کمپل و پریچارد<sup>۱</sup>، از نظریه پردازان معروف در انگیزش، عقیده دارند که انگیزش به

---

1. Campbell & Pritchard



مجموعه روابط متغیر مستقل یا غیرمستقلی مربوط است که راستا، وسعت و پایداری رفتار را تبیین می‌کند، با این شرط که تأثیرات استعداد، مهارت درک و وظیفه مورد نظر و همچنین محدودیت‌هایی که بر محیط حاکم هستند، ثابت نگاه داشته شود.

برل سون و استاینر<sup>۱</sup> معتقد هستند که انگیزش حالت درونی فرد است و رفتاری را در او به وجود می‌آورد تا رسیدن به هدف شخص ممکن شود.

انگیزش از لحاظ روانشناسی به عوامل زیستی-اجتماعی یا آموخته‌های محیطی گفته می‌شود که رفتار آغازشدهٔ مبتنی بر هدف را تأیید می‌کند یا از بروز آن جلوگیری می‌کند. این عوامل نیروزا به عنوان انگیزه معروف هستند (مشبکی، ۱۳۸۵).

در سال‌های اخیر بسیاری از روانشناسان تأکید بر تئوری سائق و سائق‌های اولیه را مردود شمرده و استدلال می‌کنند که انسان‌ها دارای نیازهای گوناگون هستند. به‌طور کلی در بسیاری از نوشته‌ها نظریه‌های انگیزش را به دو گروه کلی نظریه‌های محتوایی و نظریه‌های فرایندی تقسیم می‌کنند.

نظریه‌های محتوایی می‌کوشند تا عواملی را که افراد را به کار برمی‌انگیزانند دقیقاً مشخص کنند. در این تئوری‌ها نیازها و محرک‌هایی برشمرده شده‌اند که موجب انگیزش می‌شوند، اما در تئوری فرایندی بیشتر بر جریان و فرایند انگیزش افراد تأکید شده است. بر اساس این تقسیم بندی تئوری‌هایی از قبیل: سلسله مراتب نیازها (مازلو)، نظریهٔ وجود-وابستگی-رشد (ERG) (آلدرفر)، نظریهٔ دوعاملی بهداشتی-انگیزشی (هرزبرگ)، نظریهٔ X و Y مک گریگور، تئوری انگیزش مؤفقیّت (مک کللند) در زمره تئوری‌های محتوایی؛ و تئوری‌هایی مانند تئوری انتظار یا جذابیت ویکتور وروم، تئوری برابری آدامز، تئوری هدف و نظریه اسناد در زمره تئوری‌های فرایندی محسوب می‌شوند (مشبکی، ۱۳۸۵).

تعدادی از صاحب‌نظران نیز تئوری‌های مربوط به انگیزش را به دو دسته تئوری‌های برون‌زا و تئوری‌های درون‌زا تقسیم می‌کنند. منظور از تئوری‌های برون‌زا آن تعداد از متغیرهای مستقل مؤثر در انگیزش هستند که تحت کنترل عوامل برونی هستند، این تئوری‌ها عبارتند از: تئوری انگیزه یا نیاز، تئوری مشوق، تئوری هدف، تئوری تقویت، تئوری منابع انسانی و مادی، تئوری گروه و هنجار و تئوری سیستم اجتماعی. تئوری‌های درون‌زا با متغیرهای فرایندی یا

1. Berlson & Steiner

میانجی (انتظارات، نگرش‌ها و مانند آن‌ها) سروکار دارند. تحول این متغیرها تابع و در پاسخ تغییراتی است که از متغیرهای برون‌زا ظاهر می‌شود. تئوری‌های درون‌زا عبارتند از: تئوری انتظار یا جذآبیت، تئوری برابری، تئوری نگرش، تئوری قصد یا هدف و تئوری اسناد(بی‌نام، ۱۳۸۵).

انسان‌ها نه فقط از لحاظ توانایی انجام‌دادن کار، بلکه از لحاظ میل یا اراده انجام‌دادن کار یا انگیزش تفاوت دارند. جایی که انگیزه‌های قوی وجود دارند، حتی روش‌های فاقد کارایی هم به طور مؤثری مشارکت را تضمین می‌کنند (لیند و آنتون، ۱۳۷۱). همان‌گونه که بیان شد انگیزش یکی از مجموعه عناصر موجود در تار و پود سازه‌های تعیین‌کننده رفتار است و بدون شک خود تابع عوامل درونی و بیرونی است و در این میان جنبه فردی و خانوایی از اهمیت بالایی برخوردار است.

### مشارکت

در مجموع در تعاریف، ماهیت و محتوای مشارکت وحدت نظر به چشم نمی‌خورد؛ به گونه‌ای که بسیاری از نویسندگان به ناممکن بودن ارائه تعریفی جهان شمول از مشارکت معتقد هستند.

سپهری (۱۳۷۴)، مشارکت را به مفهوم با هم عمل کردن، سهمی از چیزی بردن، بخشی از چیزی را برعهده داشتن و عمل متقابل اجتماعی در یک گروه بیان می‌کند.

طوسی (۱۳۷۲)، به نقل از دیویس<sup>۱</sup> (۱۹۸۴)، می‌نویسد: «مشارکت عبارت است از درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گوناگون، به گونه‌ای که آن‌ها را برمی‌انگیزاند تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی دیگران را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند».

کمنپ<sup>۲</sup> (۲۰۰۳)، مشارکت را به معنای تقسیم یک فعالیت می‌داند. مردم هر روز به واسطه زندگی خانوادگی، فعالیت‌های معیشتی و مسئولیت‌های اجتماعی، در توسعه روستایی مشارکت می‌کنند.

- 
1. Dawis
  2. Kamnap



کنفرانس جهانی اصلاحات کشاورزی و توسعه روستایی، که به وسیله فائو<sup>۱</sup> در ژانویه ۱۹۷۹ در رم برگزار شد، به اتفاق آرا پذیرفت که برای نیل به دموکراسی مشارکتی می‌باید به مشارکت به عنوان حق اساسی بشر توجه کرد (دری نوگورانی، ۱۳۶۹). عده‌ای مشارکت را عنصری کلیدی در توسعه قلمداد کرده‌اند. چنانچه بتوان مشارکت را به طور معناداری در فرایند توسعه دخالت داد، مؤفقیت آن تضمین خواهد شد (سعیدی، ۱۳۸۲).

### زنان روستایی و مشارکت

روستا به عنوان یک محیط تولیدی همواره در اقتصاد نقشی مهم را ایفا می‌کند و زنان روستایی با دارا بودن نیمی از جمعیت ساکن روستا نقش عمده‌ای را در فعالیت‌های تولیدی به عهده دارند، در ایران حدود هشت میلیون زن روستایی ۱۰ سال به بالا در بخش کشاورزی و منابع طبیعی فعالیت دارند. زنان در امور مختلف جوامع روستایی مشارکت دارند و در جریان تولید، اقتصاد در سطوح ملی و خانواده نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند، به طوری که می‌توان از آن‌ها به عنوان کلید دستیابی به امنیت غذایی نام برد (بی‌نام، ۱۳۸۷).

سهم زنان روستایی در نیروی کار کشورهای جهان سوم به دلیل سنتی بودن ساختار تولید و روابط کار، بیشتر از مردان و همچنین بیشتر از زنان و مردان کشورهای توسعه یافته است. با این حال با توجه به ساختار نظام‌های بهره برداری کشاورزی کشور و تسلط بهره برداری‌های کوچک و متوسط و مزارع خانوادگی که عمده نیروی کار آن‌ها را زنان و کودکان بدون مزد تشکیل می‌دهند، هنوز آمار رسمی و جامعی از میزان مشارکت آن‌ها در مراحل گوناگون تولید کشاورزی در دست نیست (حیدری و جهان نما، ۱۳۸۲).

متأسفانه تأخر تحولات فرهنگی و اجتماعی نسبت به تغییرات اقتصادی سبب شده است تا نقش تعیین کننده زنان روستایی در جامعه و در فرایند توسعه اقتصادی کشور ما، مانند اغلب کشورهای در حال توسعه چندان آشکار نباشد و پوشیده ماندن کار زنان روستایی در تولیدات بخش کشاورزی و اقتصادی جامعه روستایی موجب بهره‌مند نشدن آن‌ها از نتایج به دست آمده در برنامه‌های توسعه است (شادی طلب، ۱۳۸۱).

## پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی در زمینه مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی انجام شده است که در زیر با توجه به موضوع پژوهش به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

زرافشانی و همکاران (۱۳۸۸) نشان داده‌اند که بین مشارکت زنان روستایی در سطوح مختلف تحصیلی و نیز بر پایه وضعیت تأهل تفاوتی معنادار وجود دارد.

یافته‌های خانی (۱۳۸۵) نشان داد بین متغیر سواد با مشارکت زنان در انواع اشتغال‌های کشاورزی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. با بهبود وضع اقتصادی خانوار روستایی که تابع از مقدار زمین کشاورزی است از میزان اشتغال زنان در امور کشاورزی کاسته می‌شود. همچنین ۶۶ درصد زنان روستایی مایل هستند در زمین مزروعی خانواده کار کنند که این احساس ناشی از حس تعلق به خویش و استقلال است که در این شرایط دارند.

نتایج پژوهش صمدی افشار (۱۳۸۲) وجود رابطه معنادار بین میزان مشارکت و استفاده از وسایل ارتباط جمعی و تعداد تماس با مروج را تأیید می‌کند.

بشردوست (۱۳۷۳) بیان کرده است شمار سال‌های عمر تفاوتی معنادار را در میزان مشارکت زنان روستایی شالی‌کار پدید نمی‌آورد، اما هر چه مقدار زمین خانوار بیشتر، وضعیت اقتصادی خانوار فرد بهتر و سطح سواد بالاتر باشد میزان مشارکت زنان شالی‌کار کمتر است.

سیدهو<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۷) علت اصلی مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی را در درجه اول احساس مسئولیت آن‌ها و بعد کسب درآمد و کمک به اقتصاد خانواده عنوان کرده‌اند.

ادریسا<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۷)، انگیزه اصلی شرکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی را کسب درآمد عنوان کرده‌اند. همچنین بین سن، تحصیلات و شغل اصلی زنان و میزان مشارکت آن‌ها تفاوت معناداری دیده شده است.

دولیسکا و همکاران (۲۰۰۶) بین اعضای خانوار و میزان مشارکت زنان رابطه مشاهده کرده‌اند.

نتایج به‌دست آمده از مطالعه شعبانعلی فمی (۲۰۰۶) بیان‌کننده آن است که میان میزان

- 
1. Sidhu
  2. Idrisa



مشارکت زنان روستایی در کشاورزی تلفیقی و شانزده ویژگی فردی، اقتصادی- اجتماعی، روان شناختی، ارتباطی و تغذیه‌ای آن‌ها همبستگی معنادار وجود دارد. نتایج رگرسیون گام به گام نشان داده است که ۴۸ درصد از تغییرات میزان مشارکت کل زنان روستایی در کشاورزی تلفیقی به وسیله سه متغیر وضعیت تأهل، سطح سواد زن و زمان به‌کار رفته در دامداری بیان می‌شود.

نتایج پژوهش تاپا<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۹۶) نشان داده است زنانی که فرزند بیشتری دارند، در فعالیت‌های کشاورزی بیشتر درگیر هستند.

نتایج پژوهش کار و پونیا (۱۹۸۸) نشان داده است که بین سطح تکنولوژی خانواده و زمان کار زنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، همچنین بین سن مشارکت کنندگان و میزان مشارکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

در حالی که داک<sup>۲</sup> و همکاران (۱۹۸۶) بین مکانیزاسیون و مشارکت کارگری زنان رابطه منفی مشاهده کرده‌اند در پژوهش‌های خود بیان کرده‌اند که بین میزان تحصیلات با مشارکت زنان به‌صورت کارگری رابطه منفی وجود دارد.

همان‌طور که اشاره شد عوامل متعددی در کم و کیف مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی نقش دارند که هر یک به نوبه خود می‌توانند در توسعه و افزایش مشارکت زنان روستایی نقش اساسی و مؤثری ایفا کنند. در کشور ما به دلیل تنوع وضعیت اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی و الگوهای متفاوت مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی، مشارکت زنان تحت تأثیر شرایط و عوامل مختلف فردی، اقتصادی و اجتماعی قرار می‌گیرد که این اساسی‌ترین مشکل در نحوه و میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی است. به این دلیل این پژوهش به بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی و خانوادگی زنان روستایی بر انگیزه مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های کشاورزی اقدام کرده است. با شناخت این عوامل می‌توان راهکارهای مؤثری را به منظور افزایش جلب مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی تعیین کرد. چارچوب مفهومی پژوهش متغیرهای تأثیرگذاری را نشان می‌دهد که در این پژوهش بررسی شده‌اند (نمودار ۱).

1. Thapa

2. Dak

- به منظور دستیابی به هدف کلی پژوهش، اهداف اختصاصی به شرح زیر مطالعه شدند:
۱. توصیف ویژگی‌های فردی و خانوادگی زنان روستایی مورد مطالعه
  ۲. بررسی میزان انگیزه مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی
  ۳. بررسی میزان همبستگی عوامل فردی و خانوادگی و میزان انگیزه مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی



نمودار ۱: چارچوب مفهومی پژوهش

### روش پژوهش

بخش آسارا در شمال شرق شهرستان کرج واقع شده و دهستان‌های آسارا، آدران و نسا را شامل است که در منطقه‌ای کوهستانی قرار گرفته‌اند و آبادی‌های آن‌ها در دره‌های پرشیب یا برحاشیه مرتفع کوه‌ها ایجاد شده است. تنها در این بخش از شهرستان کرج تولید محصولات باغی غالب است که علت اصلی آن آب و هوای مناسب، دسترسی به آب کافی، کوهستانی بودن منطقه است. بنابراین، مهمترین تولیدات باغی شهرستان کرج در مناطق روستایی این بخش انجام می‌شود که برای مردم منطقه درآمدزا بوده و معیشت نسبتاً پایداری را برای





خانواده‌های روستایی فراهم می‌کند. دلیل انتخاب بخش آسارا، غالب بودن کشت محصولات باغی در این منطقه و مشارکت نسبتاً مؤثر زنان روستایی در فعالیت‌های باغی است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش عبارت است از کلیه زنان روستایی ۱۵ سال به بالا و ساکن دائم در بخش آسارای شهرستان کرج که شامل ۲۸۱۰ نفر است. نمونه مورد مطالعه شامل ۱۲۰ نفر بود که با استفاده از فرمول کوکران و با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب بر مبنای سهم هر دهستان از کل انتخاب شده است (جدول ۱).

جدول ۱: جامعه آماری و حجم نمونه به تفکیک دهستان

بخش	دهستان	جامعه آماری	درصد از کل	حجم نمونه
	آدران	۱۰۱۸	۳۶	۴۳
آسارا	آسارا	۸۱۴	۲۹	۳۵
	نسا	۹۷۸	۳۵	۴۲
جمع		۲۸۱۰	۱۰۰	۱۲۰

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه‌ای محقق ساخته است که با بررسی منابع مختلف تدوین شده است. به منظور تعیین روایی پرسشنامه از تأیید متخصصان استفاده شد. برای تعیین اعتبار پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد، که میزان آن برای متغیر وابسته - میزان انگیزه مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی - برابر با ۰/۸۳ به دست آمد.

کانال‌های ارتباطی مجاری هستند که اطلاعات از طریق آن‌ها از منبع به گیرنده می‌رسد، کانال‌ها را بیشتر به جنبه‌های سخت افزاری نظیر رادیو، تلویزیون و... اطلاق می‌کنند. منابع اطلاعاتی حاوی اطلاعات در درون خود هستند و به افراد و سازمان‌هایی اشاره دارد که در یک ارتباط رودررو به انتقال اطلاعات، دانش و فناوری مبادرت می‌ورزند مانند مروج (بینگر، ۱۳۷۶). برای سنجش میزان استفاده از کانال‌های ارتباطی ۶ گویه (استفاده از رادیو، تلویزیون، اینترنت، نشریات ترویجی، بروشورهای تبلیغاتی و نمایشگاه‌های تخصصی) و برای میزان استفاده از منابع اطلاعاتی ۵ گویه (استفاده از خویشاوندان و دوستان، مروج زن، مروج مرد،

بهورز خانه بهداشت و کارشناس شرکت تعاونی) در مقیاس پنج طیفی لیکرت پرسش شد و در انتها از مجموع پاسخ‌های داده شده میزان استفاده در مقیاس فاصله‌ای مشخص شد. در این پژوهش مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی مورد نظر است که تحت عنوان نیروی کار خانوادگی در زمین‌های تحت اداره خانواده کار می‌کنند. برای سنجش انگیزه مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی با بررسی مطالعات پیشین مجموعه ۶ گویه‌ای در یک مقیاس ۶ قسمتی (از اصلاً تا خیلی زیاد در دامنه ۰ الی ۵) تهیه شد و سپس با حاصل جمع پاسخ‌های داده شده به گویه‌ها نمره میزان انگیزه مشارکت مخاطبان به دست آمد. به منظور بررسی متغیر وابسته از روش Interval of Standard Deviation from the Mean (ISDM) استفاده شده است. این گروه بندی براساس میانگین و انحراف معیار با استفاده از فرمول زیر به دست آمده است.

$$A < \text{Mean} - \text{Sd} \quad = A \text{ پایین}$$

$$\text{Mean} - \text{Sd} < B < \text{Mean} \quad = B \text{ متوسط}$$

$$\text{Mean} < C < \text{Mean} + \text{S} \quad = C \text{ بالا}$$

$$\text{Mean} + \text{Sd} < D \quad = D \text{ خیلی بالا}$$

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی نظیر میانگین و انحراف معیار و آمار استنباطی نظیر تحلیل همبستگی، تحلیل عاملی و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

### یافته‌های پژوهش

در زمینه ویژگی‌های فردی زنان روستایی یافته‌های پژوهش نشان داد که میانگین سنی زنان روستایی مورد مطالعه بخش آسارا برابر ۴۵ سال است. اکثریت زنان روستایی در بازه سنی ۳۱ الی ۴۶ سالگی قرار دارند از مجموع ۱۲۰ نفر ۶۳/۳ درصد آن‌ها متأهل و بقیه مجرد هستند. میانگین اعضای خانوار آن‌ها ۴ نفر است و اکثریت آن‌ها ۳ فرزند دارند. اکثریت پاسخگویان (۸۰/۸ درصد) دارای زمین شخصی بوده و میانگین وسعت زمین آن‌ها ۱۰۳۵/۸۳ متر مربع و میانگین درآمد سالانه آن‌ها از فروش محصولات کشاورزی ۱۳۱۱۸۳۳ ریال است. میانگین استفاده از فناوری‌های کشاورزی در فعالیت‌های کشاورزی ۴/۶۰ به دست آمد. اکثریت زنان روستایی مورد مطالعه (۶۷ نفر) به طور نسبتاً کم از منابع اطلاعاتی برای کسب اطلاع استفاده



می‌کنند و میانگین میزان استفاده از منابع اطلاعاتی آن‌ها ۱۰/۵۷ است. اکثریت زنان روستایی مورد مطالعه (۶۲ نفر) به‌طور کم و نسبتاً کم از کانال‌های ارتباطی در زمینه فعالیت‌های کشاورزی استفاده می‌کنند و میانگین میزان استفاده از کانال‌های ارتباطی آن‌ها ۱۵/۵۰ بوده است (جدول ۲).

جدول ۲: ویژگی‌های زنان روستایی مورد مطالعه

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
سن	۴۵/۵۸	۱۵/۳۰۹	۱۹	۸۵
تعداد اعضای خانوار	۳/۹۳	۱/۳۴۶	۱	۷
تعداد فرزند	۳/۸۶	۱/۲۸۵	۰	۶
وسعت زمین (متر مربع)	۱۰۳۵/۸۳	۱۰۶۴/۴۰۱	۵۰	۱۰۰۰۰
درآمد (ریال)	۱۳۱۱۸۳۳۰	۱۴۸۱۰۹۴۳	۱۰۰۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۰۰۰
استفاده از فناوری‌های کشاورزی*	۴/۶۰	۲/۵۴	۱	۱۳
استفاده از کانال‌های ارتباطی*	۱۵/۵۰	۶/۱۴	۷	۳۰
استفاده از منابع اطلاعاتی*	۱۰/۵۷	۲/۸۱۳	۴	۱۸

\* طیف لیکرت: خیلی کم ۱، کم ۲، متوسط ۳، زیاد ۴، خیلی زیاد ۵

اولویت‌بندی گویه‌های انگیزه مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی در جدول ۳ نشان داده شده است. مطابق یافته‌های به‌دست آمده زنان روستایی کمک به خانواده را مهمترین انگیزه مشارکت خود ذکر کرده‌اند و تولید مازاد بر مصرف، احساس مفید بودن، لذت بخش بودن تولید، کسب درآمد و احساس مسئولیت در اولویت‌های دوم تا ششم قرار گرفته‌اند.

جدول ۳: اولویت‌بندی شاخص‌های تبیین‌کننده انگیزه پاسخگویان نسبت به مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی

گویه	میانگین	انحراف معیار	CV	اولویت
برای کمک به خانواده	۳/۹۳	۰/۷۶۹	۰/۱۹۵	۱
تولید مازاد بر مصرف	۳/۸۴	۰/۷۷۳	۰/۲۱۵	۲
احساس مفید بودن	۴/۲۱	۰/۹۷۸	۰/۲۳۲	۳
لذت بخش بودن تولید	۴/۰۵	۰/۹۹۵	۰/۲۴۵	۴
کسب درآمد	۳/۵۸	۰/۹۵۳	۰/۲۴۷	۵
احساس مسئولیت داشتن	۳/۸۵	۱/۱۰۵	۰/۲۸۷	۶

مطابق یافته‌های به دست آمده از جدول ۴، میزان انگیزه مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی به روش ISDM به چهار سطح تقسیم شد و اکثریت زنان روستایی مورد مطالعه (۴۵٪) میزان انگیزه مشارکت خود در فعالیت‌های کشاورزی را بالا ارزیابی کرده و ۱۸/۴٪، ۲۰/۸٪ و ۱۵/۸٪ زنان روستایی میزان مشارکت خود را به ترتیب در سطح پایین، متوسط و خیلی بالا بیان کرده‌اند.

جدول ۴: توزیع فراوانی زنان روستایی در خصوص میزان انگیزه مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی

میزان انگیزه زنان روستایی نسبت به مشارکت	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
پایین (۹ - ۱۹)	۲۲	۱۸/۴	۱۸/۴
متوسط (۲۲/۹ - ۱۹/۱)	۲۵	۲۰/۸	۳۹/۲
بالا (۲۶/۸ - ۲۳)	۵۴	۴۵	۸۴/۲
خیلی بالا (۲۶/۹ - ۲۹)	۱۹	۱۵/۸	۱۰۰
جمع	۱۲۰	۱۰۰	

بیشینه: ۲۹ کمیته: ۹ انحراف معیار: ۳/۹۱۷ میانگین: ۲۲/۹۲

رابطه بین متغیرهای فردی و خانوادگی با میزان انگیزه مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی در جدول ۵ نشان داده شده است. با توجه به شاخص‌ها و با توجه به نوع و ماهیت مقیاس اندازه‌گیری متغیرهای مورد مطالعه در این قسمت، که از نوع فاصله‌ای و شبه فاصله‌ای هستند، برای تعیین همبستگی بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. بر اساس داده‌های جدول ۵، در سطح ۹۵ درصد اطمینان رابطه مثبت و معناداری بین متغیر انگیزه مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی و متغیرهای تعداد اعضای خانوار، تعداد فرزندان و میزان استفاده از فناوری‌های کشاورزی وجود دارد در حالی که رابطه منفی و معناداری در سطح ۹۵ درصد اطمینان بین متغیر وابسته و میزان سواد و میزان درآمد خانواده دیده شده است. همچنین در سطح ۹۹ درصد اطمینان رابطه مثبت و معناداری بین متغیر انگیزه مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی و استفاده از منابع اطلاعاتی دیده شده است.



جدول ۵: تحلیل همبستگی بین ویژگی فردی و خانوادگی با میزان انگیزه مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی

عوامل	مقدار r	سطح معناداری
سن	۰/۰۳۷	۰/۶۸۸
تعداد اعضای خانوار	۰/۲۱۹*	۰/۰۱۶
تعداد فرزندان	۰/۲۲۶*	۰/۰۲۹
میزان تحصیلات	۰/۱۶۹*	۰/۰۵۰
سابقه کشاورزی	۰/۰۷۲-	۰/۴۳۶
وسعت زمین	۰/۰۴۶	۰/۶۲۰
میزان استفاده از فناوری‌های کشاورزی	۰/۲۱۰*	۰/۰۲۱
درآمد	۰/۱۵۶*	۰/۰۴۹
میزان استفاده از منابع اطلاعاتی	۰/۲۵۳**	۰/۰۰۵
میزان استفاده از کانال‌های ارتباطی	۰/۱۷۷	۰/۰۵۳

طبق جدول ۶ نتایج آزمون t نشان می‌دهد که بین میزان انگیزه مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی با وضعیت تأهل تفاوت معناداری در سطح ۱ درصد وجود دارد و میانگین انگیزه مشارکت زنان روستایی متأهل در فعالیت‌های کشاورزی بیشتر از زنان روستایی مجرد است.

جدول ۶: مقایسه میزان انگیزه مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی بر اساس وضعیت تأهل

متغیر گروه‌بندی	میانگین	مقدار t	سطح معناداری
مجرد	۴۳/۵۴	-۳/۱۸۶**	۰/۰۰۱
متأهل	۵۴/۰۴		

به منظور بررسی متغیرهای تأثیرگذار بر میزان انگیزه مشارکت زنان روستایی مورد مطالعه در فعالیت‌های کشاورزی از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۷ نشان داده شده است از مجموع شش متغیر مستقلی که دارای رابطه معناداری با متغیر میزان انگیزه مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی بودند، به ترتیب متغیرهای میزان استفاده از منابع اطلاعاتی، میزان استفاده از فناوری‌های کشاورزی و میزان تحصیلات در سه گام وارد معادله رگرسیونی شدند. نتایج این آزمون نشان داد که ۳ متغیر مذکور در مجموع توانایی تبیین

۲۵/۶ درصد از تغییرات میزان انگیزه مشارکت زنان روستایی مورد مطالعه را در فعالیت‌های کشاورزی دارا هستند.

جدول ۷: نتایج رگرسیون بین متغیرهای فردی و خانوادگی زنان روستایی با میزان انگیزه مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی

متغیر	R <sup>2</sup>	R <sub>adj</sub> <sup>2</sup>	F	B	β	t
ضریب ثابت				۳/۴۳۲		۰/۴۵۹
میزان استفاده از منابع اطلاعاتی	۰/۱۸۵	۰/۱۷۸	۴۵/۷۳۱**	۳/۰۳۵	۰/۳۱۸	۳/۷۳۲**
میزان استفاده از فناوری‌های کشاورزی	۰/۲۳۵	۰/۲۲۴		۲/۵۱۱	۰/۲۸۲	۲/۹۳۵**
میزان تحصیلات	۰/۲۵۶	۰/۲۴۸		-۲/۰۳۶	-۰/۲۰۷	-۲/۱۸۴**

$$Y = 3/432 + 3/035 X_1 + 2/511 X_2 - 2/036 X_3$$

### بحث و نتیجه‌گیری

طبق یافته‌های پژوهش میزان انگیزه مشارکت اکثریت زنان روستایی مورد مطالعه (۴۵ درصد) در فعالیت‌های کشاورزی در حد بالا است و اکثریت زنان روستایی کمک به خانواده را مهمترین انگیزه خود درباره مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی ذکر کرده‌اند این مورد حاکی از آن است که زنان به صورت کارگر خانوادگی در مزارع خود فعالیت می‌کنند. با توجه به یافته‌های پژوهش بین تعداد اعضای خانواده و تعداد فرزندان یا میزان انگیزه مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی رابطه مثبت و معناداری دیده شده است که با مطالعات تاپا و همکاران (۱۹۹۶) همخوانی دارد، این نتیجه بیان‌کننده آن است که با افزایش تعداد اعضای خانوار، که معمولاً به علت افزایش تعداد فرزندان است، زنان روستایی در مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی ترغیب می‌شوند تا در تأمین رفاه و معاش خانواده شرکت داشته باشند. همچنین بین میزان سطح سواد و درآمد با میزان مشارکت رابطه منفی دیده شده است و این به این معنا است که با افزایش سطح تحصیلات و درآمد از میزان انگیزه زنان برای فعالیت در زمینه کشاورزی (به عنوان فعالیتی اقتصادی) کاسته می‌شود که از دلایل آن می‌توان بیان کرد زنان تحصیل کرده کشاورزی را در شأن و منزلت خود ندانسته و فعالیت‌های اداری و دفتری را برای خود برمی‌گزینند که این یافته با مطالعات ادریسا و همکاران (۲۰۰۷) همخوانی دارد. طبق نتایج رابطه مثبت و معناداری بین انگیزه مشارکت زنان روستایی و استفاده از منابع



اطلاعاتی دیده شده که حاکی از آن است که منابع اطلاعاتی می‌توانند تأثیر مثبتی بر نگرش و انگیزه زنان روستایی گذاشته و آن‌ها را به انجام دادن فعالیت‌های کشاورزی ترغیب کنند. همچنین با توجه به نتایج با افزایش استفاده از فناوری‌های نوین کشاورزی انگیزه مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های کشاورزی افزایش می‌یابد که حاکی از آن است که فناوری‌های نوین از سختی کار کشاورزی کاسته و این فعالیت را لذت بخش‌تر می‌کند و همچنین بر منزلت و جایگاه کشاورزی افزوده و آن را از حالت سنتی خارج می‌کند با این حال باید به این نکته توجه کرد که اکثر فناوری‌های نوین کشاورزی در خدمت مردان روستایی قرار می‌گیرد و معمولاً زنان روستایی از آن‌ها محروم هستند. در مطالعات کار و پونیا (۱۹۸۸) و داک و همکاران (۱۹۹۶) نیز به این مورد اشاره شده است. طبق یافته‌های پژوهش بین میزان درآمد خانوار و انگیزه مشارکت زنان روستایی رابطه منفی و معناداری دیده شده است که نشان می‌دهد با افزایش درآمد خانوار از میزان انگیزه مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی کاسته می‌شود که البته، این کاهش در میزان کار کشاورزی زنان از نوع خانوادگی کمتر است زیرا کیفیت بهتر نیروی کار خانوادگی، نشأت گرفته از احساس تعلق به خود و کمک به خانواده، باعث می‌شود از نیروی کار زنان در این رابطه استفاده شود. تفاوت معنادار بین میزان انگیزه مشارکت زنان روستایی با توجه به وضعیت تأهل نشان می‌دهد زنان روستایی متأهل به علت پذیرش مسئولیت امور خانه و تأمین غذایی خانوار به فکر تأمین معاش و رفاه خانواده هستند و انگیزه مشارکت بیشتری در فعالیت‌های کشاورزی دارند.

با توجه به وابسته بودن میزان انگیزه مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی به میزان استفاده آن‌ها از منابع اطلاعاتی و میزان استفاده از فناوری‌های کشاورزی، پیشنهاد می‌شود برای بهبود انگیزه مشارکت زنان روستایی در امور کشاورزی اقدامات زیر انجام شود:

۱. توسعه و ترویج فناوری‌های نوین کشاورزی مرتبط با الگوی مشارکت زنان روستایی برای از بین بردن تصور رایج در مورد سنتی بودن کشاورزی و نشان دادن پیوند بین کشاورزی و فناوری نوین برای جلب زنان روستایی تحصیل کرده در زمینه کشاورزی.
۲. اجرای برنامه‌های ترویجی مناسب برای نشان دادن جایگاه کشاورزی به عنوان فعالیت اقتصادی و سعی در توانمند کردن زنان روستایی برای پرداختن به کشاورزی به عنوان فعالیتی اقتصادی.

۳. استفاده از منابع و کانال‌های ارتباطی در جهت اطلاع رسانی و تشویق و ترغیب زنان روستایی برای پرداختن به فعالیت کشاورزی.

۴. عوامل معرفی شده در این پژوهش (عوامل فردی و خانوادگی) به عنوان عوامل تأثیر گذار در میزان انگیزه مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی به تبیین ۲۵/۶ درصد تغییرات میزان انگیزه مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی را قادر بودند، توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی سایر عوامل تأثیر گذار در این عامل نیز شناسایی شود.

Archive of SID





## منابع

- بشردوست، رسول، (۱۳۷۳). بررسی میزان مشارکت زنان شالیکار و نقش آموزش‌های ترویجی در تولید برنج در استان گیلان، دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
- بی‌نام، (۱۳۸۵). طبقه بندی‌های معاصر از تئوری انگیزش. در دسترس در سایت: ([www.aftab.ir/articles/health\\_therapy/mental\\_health/c13c1148374051\\_motivation\\_p1.php](http://www.aftab.ir/articles/health_therapy/mental_health/c13c1148374051_motivation_p1.php)).
- بینگر، اتولر، (۱۳۷۶). *ارتباطات اقناعی*. ترجمه علی رستمی. تهران، سروش.
- حیدری، غلامرضا و جهان‌نما، فهیمه، (۱۳۸۲). توانایی‌های زنان در بخش کشاورزی - روستایی، پژوهش‌های زنان، ۱(۶).
- خانی، فزیله، (۱۳۸۵). توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان. پژوهش‌های جغرافیایی، ۱(۱): ۱۷۱-۱۸۸.
- دری نوگورانی، حسین، (۱۳۶۹). مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی - تحلیلی بر مفاهیم و روش‌ها، دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق، تهران.
- رسول اف، جلال، (۱۳۷۶). مقدمه، مجموعه مقالات گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰ (دومین گردهمایی از سلسله گردهمایی‌های نقش زن در کشاورزی)، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه.
- زرافشانی، کیومرث؛ خالدی، خوشقدم و غنیان، منصور، (۱۳۸۸). تبیین جایگاه مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی - ترویجی براساس نردبان مشارکت شری آرنستین. پژوهش‌های زنان، ۷(۳): ۱۰۷-۱۲۸.
- بی‌نام، (۱۳۸۷). نقش زنان روستایی در توسعه کشاورزی. قابل دسترس در: [EID=1354=\(http://www.mardomsalari.com/Template1/Search.aspx?Keyword=](http://www.mardomsalari.com/Template1/Search.aspx?Keyword=EID=1354)
- سپهری، حسین، (۱۳۷۴). پیش‌نیاز و موانع مشارکت و عوامل زمینه ساز. ماهنامه فرهنگ و مشارکت، شماره ۳.
- سعیدی، محمدرضا، (۱۳۸۲). درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیر دولتی. تهران، سمت.
- شادی طلب، ژاله، (۱۳۸۱). توسعه و چالش‌های زنان ایران. تهران، قطره.
- طوسی، محمدعلی، (۱۳۷۲). مشارکت. تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.

- صمدی افشار، سائین، (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در برنامه سه آموزش و ترویجی در بخش کشاورزی استان آذربایجان غربی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات. تهران.
- لیند، آجتا و آنتون، جانسون، (۱۳۷۱). *سوادآموزی بزرگسالان در جهان سوم: بررسی هدف‌ها و راهبردها*. ترجمه مرتضی مشتاقی، تهران، مدرسه.
- مشبکی، اصغر، (۱۳۸۵). *مدیریت رفتار سازمانی*. چاپ سوم. تهران، ترمه.
- ملک محمدی، ایرج، (۱۳۷۴). *تحقیق پیرامون شاخص‌های مشارکت مردمی در مدیریت منابع طبیعی، ماهنامه جهاد، ۱۸۳-۱۸۲ (۱۶)*
- Dak, T.M; Sharma, M.L & Jain, R,(1986). Social and Institutional Framework of Female Participation in Agriculture . *Indian Journal of Social Work*, (47) 3: 285-291.
- Dolisca, F; Douglas, R. C; Joshua, M; McDaniel, D. A & Curtis M. J,(2006). Factors influencing farmers' participation in forestry management programs: a case study from Haiti. *Forest Ecology and Management* .236 (2-3): 324-331.
- Idrisa, Y.L; Sulumbe, I.M & Mohammed, S.T,( 2007). Socio-economic factors affecting the participation of women in agricultural cooperatives in Gwoza local government, Borno state, Nigeria. *Agro-science Journal of Tropical Agriculture, Food, Environment and Extension*. 6 (2):72-78. Retrieved from <http://www.agrosciencejournal.com/article-111.html>
- Kaur, S & Punia, R.K,( 1988). Work participation of women in rural households: an empirical study Guru Nanak. *Journal of Sociology*. 9( 2):51-77.
- Kamnap, P,( 2003). *The Impact of local People's Participation in Forest Concession Management in Cambodia: A Case Study of the COLEXIM Forest Concession Company in Kampong Thom Province*, A thesis submitted Institute of Technology School of Environment, Resources & Development, Thailand.
- Sidhu, K; Dhillon, M.K & Gill, J.K,( 2007). Women in agriculture: impact of their participation on the home environment. *International journal of rural studies*.14 (1). Retrieved from (<http://www.vri-online.org.uk/ijrs/> April2007/ Women%20in%20agriculture.pdf).
- Shabanali Fami, H, ( 2006). Relationship between different characteristics of rural women with their participation in mixed farming activities. *Journal of Agricultural Science and Technology*. 8(2): 107-117.
- Thapa, K; Bilsborrow, R. E & Murphy, L,(1996). Deforestation, land use, and women's agricultural activities in the Ecuadorian Amazon .*World Development*.24 (8):1317-1332. Retrieved from (<http://eva-elba.unibas.ch/?c=2577>).



### نویسندگان

**msmirtorabi@yahoo.com**

**مهدیه السادات میرترابی**

دانشجوی دکتری ترویج کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران  
پیشینه آموزشی و پژوهشی: دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد در رشته ترویج کشاورزی از پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۷. دارای ۳ مقاله علمی پژوهشی چاپ شده در مجلات معتبر علمی و ارائه دهنده مقاله در کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی.

**yhejazi@ut.ac.ir**

**یوسف حجازی**

استاد گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران،  
پیشینه آموزشی و پژوهشی: دانش آموخته دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران. عضو شورای ارزیابی کیفیت دانشگاه تهران و دبیر شورای دانشنامه آموزش عالی. استاد راهنما و مشاور بیش از ۵۰ عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری. نویسنده بیش از ۶۰ مقاله علمی و پژوهشی در مجلات معتبر داخلی و خارجی و نویسنده ۱۰ عنوان کتاب.

**hosseinim@ut.ac.ir**

**سید محمود حسینی**

دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران،  
پیشینه آموزشی و پژوهشی: دانش آموخته مقطع دکتری ترویج و آموزش کشاورزی از دانشگاه Cornell آمریکا در سال ۱۹۹۰.  
استاد راهنمای بیش از ۲۵ رساله دکتری و نویسنده بیش از ۱۰۰ مقاله علمی و پژوهشی در مجلات معتبر داخلی و خارجی.  
مؤلف یک کتاب و مترجم ۳ کتاب درباره رشته تخصصی.